

## جهانی شدن، سیاست و سواد زیست‌محیطی: سیری تاریخی به مکاتب و نظریه‌پردازان محیط‌زیست

محبوبه سلیمان پور عمران<sup>۱\*</sup>، فریبا علی‌دایانی<sup>۲</sup>، حمیدرضا سوداگر<sup>۳</sup>

- \*۱- استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران  
 ۲- کارشناسی ارشد گروه مدیریت آموزشی، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران  
 ۳- دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بجنورد، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، بجنورد، ایران

### چکیده

از شاخصه‌های گفتمان زیست‌محیطی، شمول جهانی شدن آن می‌باشد زیرا محیط‌زیست و پایداری آن بر فرآیند توسعه یک کشور و در مقیاس بزرگتر بر جهان، تأثیرگذار خواهد بود و در این زمینه نظریه‌پردازی‌هایی از طریق فیلسوفان و صاحب‌نظران انجام شده است. از این رو هدف پژوهش حاضر، بررسی نظریه‌های زیست‌محیطی با رویکرد سیاست و جهانی شدن بوده است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بود که با بررسی منابع و مقالات و مطالعات کتابخانه‌ای و با ابزار فیش‌برداری انجام شده است. در این راستا ابتدا عوامل ایجاد رفتار حفاظت از محیط‌زیست شامل اطلاعات و آگاهی زیست‌محیطی، نگرش و نگرانی زیست‌محیطی، رفتار مسئولانه، آموزش، سواد و اخلاق زیست‌محیطی بررسی شد و سپس با سیر تاریخی به نظریه‌های محیط‌زیست مورد بحث و مقایسه قرار گرفت.

**واژگان کلیدی:** محیط‌زیست، سیاست، جهانی شدن، نظریه‌های محیط‌زیست

## مقدمه

کوچک شدن جهان که در یک فرایند تدریجی و طولانی به وقوع پیوست، همواره تابعی از افزایش توانایی‌های بشر در تسخیر و غلبه بر طبیعت بوده است. این فرایند، با اولین گام‌های بشر پراکنده در اقلیم‌های مختلف و اجتماع‌های دور از هم در مسیر غلبه بر مقاومت‌های طبیعی محیط‌زیست و دشواری‌های حیات اجتماعی آغاز شده و با هرگام، یک مرحله به کوچک‌تر ساختن جهان کمک کرده است (کاستنر، ۱۳۸۰). وضعیت محیط‌زیست یک کشور برآیندی از تاثیرگذاری تصمیمات و تعاملات دولت‌ها، بنگاه‌های اقتصادی، سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی، توده‌های مردم و مجامع علمی می‌باشد. واقعیت این است که وضع محیط‌زیست در ایران و کشورهای در حال توسعه بحرانی و با روند فزاینده تخریب و الودگی مواجه است و در طی دهه‌های گذشته، تصمیمات اقتصادی و سیاسی این گروه‌ها، معطوف به مدیریت زیست‌محیطی نبوده است. روند حاکم بر اقتصاد سیاسی ایران سبب شده است که در رتبه‌بندی زیست‌محیطی مجمع جهانی اقتصاد با مطالعه ۷۲ شاخص از سوی دانشگاه کلمبیا و پیل که در سال ۲۰۰۵ انجام پذیرفت، ایران در میان ۱۴۶ کشور مورد مطالعه رتبه ۱۳۲ و از ۱۰۰ امتیاز، نمره ۳۲ را کسب نمود و در کنار کره شمالی در پایین‌ترین رده‌بندی قرار گیرد (غلامپور، ۱۳۸۶). با افزایش جمعیت انسان به ۹ میلیارد نفر تا سال ۲۰۵۰، نیاز به غذا، آب پاکیزه، سوخت و فضا افزایش یافته و با تغییرات اقتصادی و اجتماعی، تغییرات در محیط‌زیست ادامه خواهد یافت؛ ضمن این‌که هر ۳۵ سال، جمعیت جهان دو برابر می‌شود و به همین نسبت، نیاز به منابع طبیعی نیز دو برابر خواهد شد (جارین و همکاران، ۲۰۱۰). تحقیقات دانشمندان حاکی از روند رو به انقراض گونه‌های گیاهی و جانوری در جهان است، همه ساله مقادیر انبوهی از مساحت جنگل‌ها نابود می‌شوند، فرسایش خاک‌ها، افزایش سطح بیابان‌ها، افزایش حجم فاضلاب‌های شهری و صنعتی، روند فزاینده مصرف سوخت‌های فسیلی، به‌کارگیری سلاح‌های اتمی در جریان جنگ‌ها، مانورهای نظامی و ... از جمله خطرات زیست‌محیطی می‌باشد که زمین و موجودات آن‌را

تهدید می‌کند. تخریب محیط‌زیست از آن لحاظ جدی است که انسان را قادر ساخته است با فناوری‌های جدیدی که در اختیار دارد، سطح این تخریب را نسبت به دوران گذشته با عمق و وسعت بسیار بیشتری به انجام رساند. علاوه بر این، تغییر تفکر و فرهنگ انسان امروز در زمینه موفقیت‌خواهی، برابرطلبی و رشد دادن کیفیت زندگی و به حداکثر رساندن سود، این چالش را دوچندان نموده است و در این میان، ایران در پی اجرای طرح‌های توسعه‌ای در طی ۳۰ سال اخیر به نحو بی‌سابقه‌ای با بحران رو به روست به‌طوری که جمعیت آن بیش از ۲ برابر، تعداد دام در مراتع ۳ برابر، تخریب پوشش جنگلی ۳۳ درصد، فرسایش خاک ۲/۵ برابر و مصرف آب ۲ برابر شده است (گلکار، ۱۳۸۲). به نقل از سلیمان‌پورعمران و یارمحمدیان، (۱۳۹۴). در اقتصاد سیاسی محیط‌زیست، خط‌مشی‌ها، به‌وسیله سیاست تعیین می‌شود و سیاست‌مداران باید ببینند عموم مردم چه می‌خواهند و سپس با آگاهی از فرایندهای سیاسی اختصاص منابع است که می‌توان برنامه مورد پذیرش سیاسی و کارایی اقتصادی تنظیم نمود. یکی از شاخصه‌های گفتمان محیط‌زیستی، درجه‌ی بالای جهانی شدن است. برای نمونه طرفداران محیط‌زیست در جوامع صنعتی سعی می‌کنند تا فیلسوفان و کنش‌های جوامع غیرصنعتی را "وام‌گیری" کرده و از این طریق مراکز بین‌المللی‌ای را برای توافق‌ها و استانداردهای زیست‌محیطی ایجاد کنند. امروزه مسائل محیط‌زیست و پیامدهای ناشی از آن به‌عنوان یک مسئله‌ی جهانی مطرح شده که همین امر موجب شکل‌گیری تلاش‌های محلی و نیز مباحثات بین‌المللی شده است. در علوم اجتماعی ارتباط مفهوم "جهانی شدن" باید با مسائل محیط‌زیستی جستجو شود. چرا که محافظت از محیط‌زیست مسوولیتی جهانی است که گرم شدن هوا یکی از مهم‌ترین مسائل آن است. طرفداران محیط‌زیست ما را به "تفکر جهانی" فرا می‌خوانند. در سازمان‌دهی آن نیز، گفتمان محیط‌زیستی نسبت‌های جهانی به خود گرفته است. از آن جمله می‌توان به بزرگترین گردهمایی همایش زمین ریو در سال ۱۹۹۲، بزرگترین NGO محیط‌زیستی "صلح سبز" و صندوق

جهانی طبیعت اشاره کرد که همگی در یک گفتمان زیست-محیطی برای ابراز حقوق و نگرانی‌های واقعی خود وارد شده‌اند. اگر بتوان بر پدیده‌ای فرهنگی، نام "جهانی" را گذاشت، حفاظت از محیط‌زیست می‌تواند آن پدیده باشد. مفهوم جهانی شدن می‌تواند چارچوب مفیدی را برای درک برخی از ویژگی‌های حفاظت از محیط‌زیست به‌عنوان یک پدیده‌ی فرهنگی فراهم کند.

### روش‌شناسی پژوهش

روش این تحقیق از نوع مروری و از گونه‌ی توصیفی - تحلیلی است و با ابزار فیش‌برداری ابتدا داده‌های لازم گردآوری می‌شود و سپس به تفسیر داده‌ها پرداخته می‌شود. در مرحله‌ی بعد، داده‌های گردآوری شده طبقه‌بندی و خلاصه می‌شوند. بر این اساس، کلیه‌ی کتاب‌ها، مدارک، اسناد، پایگاه‌ها، مقاله‌ها و پژوهش‌های در دسترس پژوهشگر که به بررسی موضوع پژوهش پرداخته‌اند، مورد مطالعه قرار گرفته و از آن‌ها فیش‌برداری می‌شود و نهایتاً مورد سازماندهی و تفسیر و تبیین قرار می‌گیرد.

### سیر نظریه‌های زیست‌محیطی

رایج‌ترین این رهیافت‌ها عبارتند از حفاظت‌گرایی، صیانت‌گرایی، بوم‌شناسی اجتماع، حقوق حیوانات، اخلاق زمین، بوم‌شناسی ژرفانگر، اکوفمینیسم، نیکداری، توسعه‌پایدار و پایداری.

الف- حفاظت‌گرایی و صیانت‌گرایی نمود رفتار زیست‌محیطی منبع‌گرا است که طبیعت را به‌عنوان منبعی وسیع برای استفاده انسان‌ها در نظر می‌گیرد. در حفاظت‌گرایی، اجزاء مختلف محیط‌زیست به این دلیل باید حفظ شوند که ارزش اقتصادی دارند، اما صیانت‌گرایی، ارزش‌گذاری اقتصادی صرف طبیعت را رد می‌کند و بر صیانت از طبیعت برای اطمینان از تنوع گونه‌ای، زیبایی نظام‌های طبیعی، و استفاده حال یا آینده انسان از طبیعت تاکید دارد.

ب- بوم‌شناسی اجتماع بر این باور است که تمام مشکلات زیست‌محیطی، از مشکلات اجتماعی ناشی می‌شوند و بدون عزم جدی برای حل آن‌ها، مشکلات بوم‌شناختی نیز

نمی‌توانند به روشنی درک شده و یا برطرف شوند. پ- در حقوق حیوانات، حقوق و وظایف به حیوانات یا سلسله زیستی، بسط می‌یابد و علت آن را برخورداری حیوانات از هوشیاری یا خودآگاهی و ظرفیت استدلال می‌دانند به طوری که برخی مدافعان این رهیافت معتقدند حقوق اخلاقی حیوانات به هیچ وجه از حقوق انسانی کمتر نیست.

ت- در اخلاق زمین، نقش انسان از یک فاتح به یک عضو ساده آن تغییر می‌کند که مستلزم قائل شدن حرمت برای سایر اعضا و احترام برای کل اجتماع (زمین) است. کار اخلاق زمین، گسترش محدوده مرزهای اجتماعی به نحوی است تا خاک، آب، گیاهان، جانوران یا به‌طور کلی، زمین را در بر گیرد. از نظر رفتاری زمین، چیزی از نظر رفتاری صحیح است که به انسجام، ثبات و زیبایی اجتماع زیستی کمک کند.

ث- در بوم‌شناسی ژرفانگر، تلاش‌های موجود برای حفاظت از محیط‌زیست به دو جنبش بوم‌شناسی سطحی‌نگر و بوم‌شناسی ژرفانگر قابل تقسیم است. جنبش اول، به‌دنبال مبارزه علیه آلودگی و اتلاف منابع یا هدف افزایش سلامتی و ثروت کشورهای توسعه‌یافته است. بوم‌شناسی ژرفانگر ادعا دارد که از بوم‌شناسی سطحی‌نگر مفیدتر است و حرکت به سمت بوم‌شناسی ژرفانگر را یک وظیفه اخلاقی می‌داند. شعار بوم‌شناسی ژرفانگر ساده، در ابزار اما ارزشمند در نتایج، است. بوم‌شناسی ژرفانگر به‌دنبال تکامل نفس از طریق وحدت با بقیه اشیاء است و رسیدن به آن را از طریق یگانگی فرد یا سایر افراد، گونه‌ها، زیست‌بوم‌ها و چشم‌اندازها ممکن می‌داند و معتقد است تکامل نفس، در نهایت کمال خود، به معنای تجربه هویت‌یابی در تنوع است که در مقابل بیگانگی قرار می‌گیرد.

ج- اکوفمینیسم، پیوندهای بین فمینیسم و بوم‌شناسی را مد نظر دارد و عمل سلطه را در روابط مرد با زن و انسان با طبیعت مورد نقد قرار می‌دهد و معتقد است که هر دو نوع سلطه باید از بین برود. در این رهیافت، ستم مرد به زن و انسان به طبیعت، از یکدیگر قابل تفکیک نبوده و باید هم‌زمان مورد بررسی قرار گیرند و هر نظام اخلاق

زیست‌محیطی که سلطه هم‌زمان و متقابل بر زن و طبیعت را نادیده بگیرد، در بهترین حالت ناقص و در بدترین حالت، نامناسب است.

چ- در نیکداری، بر پیشکاری انسان نسبت به سایر مخلوقات خداوند و حفاظت از آن‌ها تاکید می‌شود (نصر، ۱۳۷۸). این رهیافت تاکید دارد که ما صاحب زمین نیستیم و سلطه انسان بر زمین، هیچ‌گاه مطلق نبوده است بلکه، مراقبت از مخلوقات به انسان واگذار شده است. ما فقط پیشکار هستیم و از ما خواسته شده است با مخلوقات، همان‌طور که خداوند خواسته است به‌طور مقدس و خرمندانه رفتار کنیم و هنگامی که نتوانیم چنین کنیم، زمین زیان می‌بیند.

ح- اگر چه معمولاً مفاهیم پایداری و توسعه‌پایدار به‌عنوان رهیافت‌های اخلاقی در نظر گرفته نمی‌شوند اما این مفاهیم می‌توانند بر حسب اخلاق تشریح شوند. پایداری تلاش‌های بین رشته‌ای بین‌المللی برای آمیختن اهداف اقتصادی و زیست‌محیطی است که باید چیزی را در برگیرد که انصاف (عدالت) بین نسلی نامیده می‌شود. توسعه‌پایدار نیز فرایند تغییری است که در آن، بهره‌برداری از منابع، هدایت سرمایه‌گذاری‌ها و سوگیری توسعه فناورانه بالقوه نسل فعلی و نسل آینده برای برآورده کردن نیازها و آرمان‌های انسانی، عمل می‌کنند. توسعه‌پایدار، انسان محور است. این موضوع را می‌توان از درک مدرن از توسعه‌پایدار نتیجه گرفت که دیدگاهی ابزاری به طبیعت دارد و معتقد به جدایی هستی‌شناسی بین انسان و طبیعت است. دلیل دگر، تاکید توسعه‌پایدار بر انسان به‌عنوان هدف توسعه و توجه به ابعاد زیست‌محیطی به‌دلیل تامین منافع انسان‌های فعلی و نسل آینده است. اما پایداری، به‌طور گسترده‌تری به ماورای ریشه‌های انسان‌محوری توسعه‌پایدار می‌رود، تا حدی که به یک نظریه زیست‌بوم محور، نزدیک می‌شود که بی‌شبهت به اخلاق نیکداری نیست (عابدی و همکاران، ۱۳۸۶).

جدول ۱ این رویکردها را به ترتیب در قالب طیفی از محیط محوری و دیدگاه معنوی به انسان محوری و

دیدگاهی مادی نشان می‌دهد.

### سیر تاریخی نظریه پردازان محیط‌زیست

#### الف) نظریه‌های نوگرایی محیط‌زیست

۱- **توماس هابز**: جامعه طبیعی را بیشتر ابتدایی می‌دانست بدین معنا که زندگی بشر تنها زمانی وضعیت طبیعی دارد که در مرحله‌ای نامتمدن و واپسمانده از تکامل اجتماعی است.

۲- **جان لاک**: مدعی مالکیت خصوصی و رویکرد ابزاری به محیط‌زیست است که منطقاً برخورد و ارزش‌گذاری ابزاری با محیط تهی از آدمی را توجیه کرده است. بر این اساس محیط تهی از آدمی که دست بشر به آن نخورده باشد، بی‌ارزش است.

۳- **ژان ژاک روسو**: نظریه‌پردازی اجتماعی وی با هم‌عصری‌های خود متفاوت بود و رویکردی خوش‌بینانه به طبیعت انسانی داشته است از نظر وی و محیط طبیعی نماینده معصومیت، اصالت و کمال، در برابر آثار زیانبار شهرنشینی و پیچیدگی زندگی متمدن دانست.

#### ب- نظریه‌پردازی اجتماعی پیشرو و واپس‌نگر درباره محیط‌زیست

در قرن ۱۹ نظریه مالتوس نشان داد افزایش جمعیت، به‌صورت تصاعد هندسی و افزایش منابع غذایی تصاعد حسابی است و جمعیت خطری برای محیط‌زیست و خودش محسوب می‌گردد.

#### پ- نظریه اجتماعی و تکامل محیط‌زیست طبیعی

چارلز داروین با بسط اصول اسپنسر، پیوند مهم بعدی در تاریخ رابطه میان محیط تهی از آدمی و نظریه اجتماعی را تشکیل می‌دهد. دو جنبه از نظریه تکامل داروین شایان ذکر است:

۱- تاریخ تکامل انسان به‌طوری‌که این نظریه داستان انجیل درباره خلقت زمین و انسان‌ها به اراده خدا را رد نموده و مرز بین جهان انسان و غیر انسان را کمرنگ می‌نماید.

۲- موجودات زنده با محیط‌های خود تطابق پیدا می‌کنند.

جدول ۱- رویکردها و دیدگاه‌های زیست‌محیطی

ویژگی‌ها	رویکردهای زیست‌محیطی
بر پیشکاری و مسئولیت انسان نسبت به سایر مخلوقات خداوند و حفاظت از آن تاکید می‌گردد.	خداحوری
از ارزش طبیعی که فی‌نفسه دارای ارزش مستقل از منافع انسان می‌باشد بحث می‌کند.	اخلاق زمین
بر تغییر ارزش‌ها و دانش بوم‌شناسی و عاطفی، تاکید و دوگانه بودن انسان و طبیعت را رد می‌کند.	بوم‌شناسی ژرفانگر
طبیعت را با زن تداعی و برای اصلاح محیط‌زیست از انگیزه‌های اخلاقی درونی استفاده می‌نماید.	اکوفمینیسم
فهم هر کس از طبیعت با دیگری متفاوت است و فهم و تعریف هیچ‌کدام برتر از دیگری نیست بر خلاف عصر مدرن، امروزه توانایی انسان در حفاظت از محیط‌زیست به‌عنوان تمدن تلقی می‌گردد.	پست مدرنیسم
مسائل زیست‌محیطی را ناشی از مشکلات اجتماعی می‌داند و به تخریب محیط‌زیست از دیدگاه اجتماعی و نقش دوگانه نیروهای فرهنگی و سیاسی جامعه مدرن می‌نگرد.	بوم‌شناسی اجتماعی
در این دیدگاه حقوق و وظایف نسبت به حیوانات به سلسله زیستی آن‌ها بسط می‌یابد.	حقوق حیوانات
زمین را موجود زنده‌ای تلقی می‌کند که همه‌ی موجودات در وحدت با آن هستند و برای شناخت آن رهیافتی کل‌گرایانه دارد که برای سایر اجزا موجود در طبیعت حرمت و منزلت قائل است.	گایا
بین ارزش‌های طبیعت و منافع انسانی تعادل برقرار می‌نماید.	وحدت زیستی
جغرافیا را اصیل‌ترین عامل تشکیل دهنده جامعه، تاریخ و رفتارهای انسان می‌داند.	جغرافیایی‌گرایی
عناصر طبیعت هر یک روح محافظ خود را دارد که آنان را از گزند حفظ می‌نماید.	اسطوره‌گرایی
به حفاظت از طبیعت به‌عنوان یک وظیفه و صرف‌نظر از نتایج و پیامدهای آن توجه دارد.	وظیفه‌گرایی
حفظ طبیعت برای استفاده حال یا آینده انسان از طبیعت در اموری مانند پژوهش علمی و یا شهود زیباشناسانه می‌باشد و تنها انسان ارزش ذاتی دارد و برای امور دیگر ارزش ابزاری دارند.	صیانت‌گرایی
سبز تیره، طرفدار ارزش ذاتی طبیعت و تغییرات عمیق در نوع رویکرد انسان به طبیعتند اما سبزهای روشن معتقدند مسائل زیست‌محیطی فارغ از چگونه بودن آن‌ها، باید ارزش‌گذاری و داوری گردند.	نهضت سیاسی سبز تیره و سبز روشن
منابع طبیعی را با هدف تبدیل بیشترین سود و ارزش‌افزوده اقتصادی آن‌ها حفظ می‌کند.	اصالت سود
تلاشی بین رشته‌ای از آمیختن اهداف اقتصادی و زیست‌محیطی است و به جدایی هستی‌شناسانه بین انسان و طبیعت معتقد و انسان را هدف توسعه می‌داند (عابدی سروسناتی و همکاران، ۱۳۸۶).	توسعه‌پایدار
پیشرفت تمدن از طریق مبارزه، کنترل و ایجاد تغییرات هدفمند در طبیعت اجتناب‌ناپذیر است.	اسطوره پیشرفت
با مدیریت صحیح زیست‌محیطی، شکل کنونی جامعه بر مشکلات غلبه می‌کند. این دیدگاه آسیب زدن به طبیعت را با این دلیل که درآینده انسان برای آن راه حلی خواهد اندیشید، توجیه می‌کند.	فن محوری
معتقد به نامحدود بودن منابع طبیعی و بهره‌گیری از آن است.	گسترده‌گرایی بی‌حد و مرز

منبع: سلیمان پورعمران و یارمحمدیان (۱۳۹۴)

### ت- لیبرالیسم و نخستین نظریه‌پردازی اجتماعی

#### سبز

جان استوارت، پیشاهنگ طرح بسیاری از موضوع‌هایی است که بعدها سبز یا بوم‌شناختی بدان‌ها اطلاق شد. وی در مقابل این دیدگاه مشترک و مسلط توسعه صنعتی ایستادگی کرد. دیدگاه‌های او در مورد دفاع از گسترش توجه اخلاقی به حیوانات غیر از آدمیزاد، او را در رده یکی از نخستین نظریه‌پردازان اجتماعی سبز قرار می‌دهد.

### ت- نظریه اجتماعی مارکسیسم و محیط‌زیست

کارل مارکس و فریدریش انگلس و نظریه‌سیاسی و اجتماعی مارکسیستی آن‌ها، یکی دیگر از نظریه‌های اجتماعی مهم قرن ۱۹ میلادی است که در آن محیط نقشی خاص دارد. در نظام کمونیستی بهره‌کشی از طبیعت و تولید ثروت، کالاها و خدمات مولد است و بسیار کارایی خواهد داشت.

### ج- فروید، سرشت آدمی و ستیز با طبیعت

در این مکتب، هم طبیعت بیرونی یعنی محیط‌زیست طبیعی و هم طبیعت درونی یعنی سرشت آدمی مدنظرست. بخش اصلی نظریه فروید مربوط به اینست که چگونه تمدن و پیشرفت و ترقی اجتماعی نه فقط به بهره‌کشی از طبیعت بستگی دارد، بلکه به مهار کردن برخی جنبه‌های بالقوه مخرب سرشت درونی نیز وابسته است.

### چ- یورگن هابرماس و مسئله طبیعت در نوگرایی

بر آن است که رابطه ما با محیط‌زیست طبیعی، ابزاری تولیدی، حسابگرانه و فنی مبتنی بر بهره‌کشی است که خصلت ویژه نوع بشر می‌باشد.

### ح- نظریه آنتونی گیدنز، جهانی شدن و محیط‌زیست

آنتونی گیدنز مانند هابرماس در آثار خود به نوگرایی و نتایج آن پرداخته است. گرچه بر خلاف او به موضوع زیست‌محیطی و جایگاه طبیعت در نظریه اجتماعی خود توجه بیشتری نشان داده است. در نظریه جهانی شدن گیدنز، آثاری از پیامدهای اقتصادی و مالی گرفته تا پیامدهای فرهنگی را در بر می‌گیرد. یکی از ملموس‌ترین تجربه جهانی شدن، مسائل زیست‌بومی جهانی است به ویژه مشکلات مربوط به آلودگی و گرم شدن زمین و تغییرات آب و هوایی که از مرز ملی فراتر رفته و اثرات جهانی دارد از این‌رو گسترش مشکلات زیست‌بومی جهانی به‌عنوان یکی از پیامدهای جهانی شدن، گسترش سرمایه‌داری صنعتی به سراسر کره زمین، ایجاد بازار جهانی و توسعه ارتباطات گوناگون است، بدین معنا که نهادها و پیوندهای سیاسی و فرهنگی جامعه‌های دور از هم در یک نظام جهانی جهان‌گستر گرد می‌آورد (محرمانزاد و تهرانی، ۱۳۸۹).

جدول ۲ این نظریه‌ها را به‌صورت خلاصه ارائه نموده است.

### آگاهی و سواد زیست‌محیطی

هرچند آثار مخرب سیاست و صنعتی شدن بر پیکره محیط‌زیست لطمات جبران‌ناپذیری گذاشته است اما در

این معادله باید سواد زیست‌محیطی را وارد نمود؛ عاملی که کمتر در این فرایند به آن توجه شده است. این امر به‌ویژه با بیداری و دخالت آگاهانه شهروندان کشورها می‌تواند تأثیرات عمیقی داشته باشد. از دهه ۱۹۷۰ بدین سو درک از عواملی که پشتوانه رفتارهای زیست‌محیطی هستند بسیار رشد کرده است. گرچه اطلاعات می‌تواند بر نگرش‌ها اثر بگذارد و نگرش‌ها معمولاً پیش درآمد رفتار مطلوب هستند اما از عوامل بسیار دیگری تأثیر می‌پذیرد و از راه‌های متعددی می‌توان آن را توضیح داد. ارائه اطلاعات در مورد محیط زیست و انتخاب‌های زیست‌محیطی همچنان نقش مهمی در آموزش حفاظت از محیط‌زیست خواهد داشت اما تنها نقش‌آفرین در ایجاد رفتار زیست‌محیطی نیست (هانگرفورد<sup>۱</sup> و دیگران، ۱۹۸۰). آموزش حفاظت از محیط‌زیست یک فرایند است که برای ایجاد یک جمعیت مسؤلیت‌پذیر نسبت به حفظ محیط‌زیست تلاش می‌کند و شامل مجموعه‌ای از اجزای گسسته (اما مرتبط) می‌باشد. این مجموعه می‌تواند شامل اطلاعات، آگاهی، نگرانی، نگرش‌ها و باورها، آموزش و پرورش، دانش و مهارت سواد و رفتار مسؤلیت‌پذیرانه نسبت به محیط‌زیست باشد (هائورن<sup>۲</sup> و آلبرستر، ۱۹۹۹). عوامل ایجاد رفتار حفاظت از محیط‌زیست عبارتند از:

**الف) اطلاعات زیست‌محیطی:** اطلاعات زیست‌محیطی به‌منزله نخستین گام در جهت مشارکت شهروندان در مسائل زیست‌محیطی به رسمیت شناخته شده است. همچنین تحقیقات نشان می‌دهد که اولین گام در فرایند آموزش حفاظت از محیط‌زیست دستیابی به اطلاعات از طریق رسانه‌هاست. دستیابی به اطلاعات زیست‌محیطی در یک شهروند امری مهم است که می‌تواند به متغیرهای دیگری مانند سطح تحصیلات و یا طبقه اجتماعی مرتبط باشد (بایلی<sup>۳</sup>، ۱۹۷۱). به‌دست آوردن اطلاعات زیست‌محیطی نه تنها یک نقطه شروع است بلکه بخشی جدایی‌ناپذیر از فرایند آموزش است.

<sup>3</sup> Bailey

<sup>1</sup> Hungerford

<sup>2</sup> Hawthorne

## جدول ۲- نظریه پردازان مکاتب مختلف در ارتباط با محیط زیست

نظریه‌ها	مختصات مکتب
نظریه‌های نوگرایی محیط زیست و نظریه‌های اجتماعی	توماس هابز: زندگی بشر تنها زمانی وضعیت طبیعی دارد که در مرحله‌ای نامتمدن و واپسمانده از تکامل اجتماعی است. جان لاک: ارزش گذاری ابزاری برای محیط و مدعی مالکیت خصوصی بر بخش‌هایی از محیط. محیط تهی از آدمی که دست بشر به آن نخورده باشد، بی ارزش است. ژان ژاک روسو: تمدن هزینه دارد. طبیعت و محیط طبیعی نماینده معصومیت، اصالت و کمال، در برابر آثار زیانبار شهرنشینی و پیچیدگی زندگی متمدن دانست.
نظریه پردازی اجتماعی پیشرو و واپس‌نگر درباره محیط زیست	مالتوس: معتقد بود که افزایش جمعیت، طبیعت و تولید غذا را تهدید می‌کند و به هیچ وجه با چنین افزایشی تناسب ندارد، پیوسته چشم‌اندازهای پیشرفت را تهدید می‌کند. دادن منابع بیشتر به فقرا فقط بر شمار آن‌ها می‌افزاید. لذا دولت نباید به یاری فقرا دست به کار شود. اگر کمک فقرا قطع شود آن‌ها انگیزه پیدا می‌کنند کاری درآمدزا بیابند و به داشتن فرزند کمتر تشویق می‌شوند.
نظریه اجتماعی و تکامل محیط زیست طبیعی	نظریه تکامل از طریق گزینش چارلز داروین و بسط این اصول به تطور اجتماعی به دست هربرت اسپنسر، پیوند مهم بعدی در تاریخ رابطه میان محیط تهی از آدمی و نظریه اجتماعی را تشکیل می‌دهد. موجودات زنده با محیط‌های خود تطابق پیدا می‌کنند. در نتیجه جنگ برای بقا میان موجودات، آن‌ها که بیش از همه با محیط خود هماهنگ شده‌اند باقی می‌ماند و نسل بیشتری از خود به جای می‌گذارند. طبق داروینیسم اجتماعی در مبارزه طبیعی برای بقا میان انسان‌ها دخالت دولت اندک است زیرا در نتیجه فرایند تطور اجتماعی که پیش شرط آن بقای اصلح است را از بین می‌برد.
نظریه اجتماعی مارکسیسم و محیط زیست	کارل مارکس و فریدریش انگلس و نظریه سیاسی و اجتماعی مارکسیستی آن‌ها را باید با شعار "انسان قادر است طبیعت را دگرگون سازد" مسبب تشدید بهره‌کشی از محیط زیست طبیعی دانست که آغازگر سرمایه‌داری بوده اما خواهان پایان یافتن بهره‌کشی انسان از انسان و توزیع دستاوردهای بهره‌کشی از محیط زیست به گونه‌ای برابرتر از شیوه سرمایه‌داری است. در نظام کمونیستی بهره‌کشی از طبیعت و تولید ثروت، کالاها و خدمات چنان کارساز و مولد خواهد بود که نیازهای مادی همه آدمیان را برآورده می‌کند.
لیبرالیسم و نخستین نظریه پردازی اجتماعی سبز	جان استوارت میل دیدگاه‌های بسیار اصیل در مورد محیط زیست دارد که بعدها رویکرد سبز یا بوم‌شناختی و اخلاق زیست‌محیطی نامیده شد. لیبرالیسم با سوسیالیسم در مورد رابطه میان جامعه و طبیعت و پیروی از پیشرفت مادی توافق داشت، اما نظریه‌های وی در مقابل این دیدگاه مشترک و مسلط توسعه صنعتی ایستادگی کرد.
فروپدیسم و سرشت آدمی و ستیز با طبیعت	بخش اصلی نظریه فروید مربوط به اینست که چگونه تمدن و پیشرفت و ترقی اجتماعی نه فقط به بهره‌کشی از طبیعت بستگی دارد، بلکه به مهار کردن برخی جنبه‌های بالقوه مخرب سرشت درونی نیز وابسته است.
یورگن هابرماس و مسئله طبیعت در نوگرایی	هابرماس نشان داد تنها رابطه ما با محیط زیست طبیعی رابطه ابزاری و بهره‌کشی است که مربوط با خصلت ویژه سرشت نوع آدمی است.
نظریه آنتونی گیدنز، جهانی شدن و محیط زیست	آنتونی گیدنز به نوگرایی و نتایج آن و موضوع زیست‌محیطی و جایگاه طبیعت در نظریه اجتماعی خود و پیامدهای اقتصادی و مالی گرفته تا پیامدهای فرهنگی و مسائل زیست‌بومی جهانی پرداخته است که از مرز ملی فراتر رفته و اثرات جهانی دارد. از این رو گسترش مشکلات زیست‌بومی جهانی به‌عنوان یکی از پیامدهای جهانی شدن، گسترش سرمایه‌داری صنعتی به سراسر کره زمین، ایجاد بازار جهانی و توسعه ارتباطات گوناگون است.

بهرتر با محیط زیست خواهد داشت. این نوع آگاهی انگیزه‌های برای رفع مشکلات زیست‌محیطی خواهد بود و باعث تقویت بروز اخلاق زیست‌محیطی خواهد شد.

**ج) نگرش زیست‌محیطی:** نگرش‌ها واکنش‌هایی ارزش‌گرایانه به اشیاء یا رفتارها بر اساس باورها در مورد آن اشیاء و رفتارها هستند. در روانشناسی اجتماعی، نگرش‌ها از ارزش‌های کلی و باورهای اولیه نشات می‌گیرند و

**ب) آگاهی زیست‌محیطی:** آگاهی‌های زیست‌محیطی دارای تعاریف مختلفی است. بیشتر مردم از معضل گرمایش جهانی آگاهند اما چون عواقب آن را نمی‌دانند ممکن است آن را به‌عنوان یک تهدید درک نکنند. این نوع آگاهی از نظریه نوع‌دوستی اقتباس شده است که بیان می‌کند زمانی که یک فرد از پیامدهای مضر یک وضعیت زیست‌محیطی آگاه باشد و خود را مسؤول این تغییر شرایط بداند رفتاری

حتی اگر آن‌ها نگرش قوی در مورد حفاظت از محیط‌زیست نداشته باشند. اعتقاد این افراد آن است که حداقل تا حدی مسئول ایجاد و بیان راه‌حل‌های مشکلات زیست‌محیطی هستند. مطالعاتی که در این زمینه انجام شده است نشان می‌دهد درجه‌ای از احساس مسؤولیت‌های هر فرد با شدت در رفتار او با محیط‌زیست در ارتباط است. بیرهوف (۲۰۰۲) معتقد است مردم کشوری که از احساس مسؤولیت زیست‌محیطی بالایی برخوردار هستند این افکار را در ادبیات خود نیز ترویج می‌دهند (بیرهوف، ۱۳۸۴).

**(و) اخلاق زیست‌محیطی:** اخلاق زیست‌محیطی، شاخه‌ای از فلسفه کاربردی و از حیطه‌های اساسی اخلاق زیستی محسوب می‌شود که می‌باید قادر باشد تا میان مجموعه پیچیده‌ای از واقعیات سرگردان تجربی، ایدئولوژی‌ها و ارزش‌های انسانی، داوری کند. سعی اخلاق زیست‌محیطی، ارائه دلایل نظام‌مند و جامعی برای این منظور است که چرا باید روابط اخلاقی بین انسان‌ها و محیط‌زیست طبیعی وجود داشته باشد و می‌توان آن را، مطالعه رفتار درست و اشتباه در درون یک محیط‌زیست مشخص، تعریف نمود (هیتچر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴). بنابراین، نقش اصلی اخلاق زیست‌محیطی، ایجاد موانع درونی اخلاقی در آحاد جامعه برای رفتار نسبت به طبیعت است. نظریه ارزشی مورد استفاده در اخلاق زیست‌محیطی، بین دو نوع "ارزش ذاتی" و "ارزش ابزاری" برای تمام موجودات منفرد زنده، توده زنده، جمعیت‌ها، گونه‌ها، زیست‌بوم‌ها و حتی چشم‌اندازهای بدون ادراک، تمایز قائل می‌شود. ارزش ذاتی معمولاً در مقابل ارزش ابزاری، معنا می‌یابد. ارزش ابزاری به این مفهوم است که ارزش یک شیء به ارزشی که برای اشیاء دیگر دارد وابسته است والا هیچ گونه ارزشی نخواهد داشت. در حالی که، ارزش ذاتی به این مفهوم است که یک شیء بدون این که برای شیء دیگری ارزشمند باشد یا نباشد، فی‌نفسه دارای ارزش است. آن‌هایی که معتقدند طبیعت دارای ارزش ذاتی است، بر این موضوع تاکید دارند که بدون حضور انسان و یا بهره‌برداری انسان از طبیعت، باز هم طبیعت به خودی خود دارای ارزش است. در این رابطه،

پیش‌بینی کننده‌های فوری رفتار هستند. نگرش‌ها به جمع‌بندی و یکپارچه‌سازی ارزش‌ها و باورهای ما در مورد موضوعی خاص کمک می‌کنند (میلر و لوین ۱۹۹۶). نگرش‌های زیست‌محیطی را این‌گونه تعریف کرده‌اند که تمایل ایجاد شده در مورد بعضی از ویژگی‌های محیط‌زیست که می‌تواند نوعی علاقه یا بی‌علاقگی یا بی‌طرفی یا بی‌اعتنایی را شامل شود. نگرش‌های زیست‌محیطی بر دو مبنای طبیعت‌محور و انسان‌محور هستند (کلاپتون، ۱۳۹۰). استرن (۱۹۹۳) به نقل از نوردلاند و گارویل (۲۰۰۳) بیان می‌کند که علاوه بر عامل نگرشی، سه عامل دیگر نیز رفتار مثبت محیطی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نخست، عوامل زمینه‌ای نظیر هزینه‌های مادی، پاداش و دسترسی به تکنولوژی است. دوم توانایی‌های فردی مثل دانش خاص محیطی و مهارت است و سوم عادات هستند که باید به منظور تغییر رفتار در جهت رفتار مثبت محیطی سست شوند. بنابراین، برای درک بهتر رفتارهای محیطی باید عامل نگرشی، موقعیتی، توانایی‌های فردی و عادات در رابطه با یکدیگر مورد بررسی قرار گیرند. براساس نظریه گزینش عقلانی، هر فرد نفع شخصی خود را برای انجام دادن فعالیت‌های محیطی در نظر می‌گیرد (صالحی عمران، ۱۳۸۷).

**(د) نگرانی زیست‌محیطی:** دانشمندان علوم اجتماعی برای تعیین سطح نگرانی زیست‌محیطی در جامعه پژوهش‌هایی را انجام داده و به این نتیجه رسیده‌اند که بین نگرانی‌های زیست‌محیطی و اخلاق زیست‌محیطی رابطه‌هایی وجود دارد. برای اندازه‌گیری مفهوم نگرانی زیست‌محیطی تعدادی از عوامل مختلف مانند درک مشکلات زیست‌محیطی و مسائل زیست‌محیطی، حمایت دولت از هزینه‌های حفاظت از محیط‌زیست و دانش مسائل و مشکلات زیست‌محیطی و رفتار وجود دارد (ویگل<sup>۱</sup>، ۱۹۷۸).

**(ه) رفتار مسؤولانه و احساس مسؤولیت به محیط زیست:** یک اصل اجتماعی در این نوع رفتار مطرح است. بسیاری از مردم ممکن است رفتار مسؤولانه داشته باشند،

2 Hatcher

<sup>1</sup> Weigel



اخلاق انسان محور، فقط انسان‌ها دارای جایگاه اخلاقی هستند و تخریب محیط زیست تا آن جا مهم است که منافع انسانی را تحت تاثیر قرار دهد. در حالی که، دیدگاه غیر انسان محور با رد این نظر، جایگاه اخلاقی را به سایر موجودات زنده یا زیست بوم به عنوان یک کلیت، تعمیم می‌دهد و معتقد است که تاثیرات بر محیط زیست، موضوعی است که صرف نظر از پیامدهای آن برای انسان‌ها، دارای اهمیت است پس از این که مشخص شد، چه چیزی از جایگاه اخلاقی برخوردار است، پرسش دوم، یعنی پرسش درباره عمل درست یا نادرست از منظر اخلاق مطرح می‌شود (حسنی، ۱۳۸۲).

**ز) سواد زیست محیطی:** سواد زیست محیطی، مستلزم درک عمیق و بنیادی نظام‌های دنیای طبیعت، درک روابط و تعامل‌های جهان زندگان و غیرزندگان و توان برخورد معقول با مسائلی است که باید با شواهد علمی، بی‌طرفی و با توجه به جنبه‌های اقتصادی، زیباشناختی و اخلاقی محیط زیست با آن‌ها روبه رو شد. سواد زیست محیطی، توانایی درک و بیان تناسب نسبی بین سیستم‌های محیطی و عملکرد دقیق حفاظت، ترمیم و بهبود سلامت این سیستم‌هاست. سواد زیست محیطی در برگیرنده همه‌ی ابعاد دانشی، مهارت و نگرشی در زمینه محیط زیست است.

### بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر مکاتب و نظریه‌های زیست محیطی مورد بررسی قرار گرفت. در بررسی نظریات موجود، لاک گرچه مرحله مقدماتی جامعه را چون هابز، کثیف و حیوانی و کوتاه نمی‌نامید، آن را بسیار ابتدایی، فقیرانه و نیازمند بهبود و پیشرفت با استفاده از مالکیت بر محیط می‌داند. بر این اساس محیط تهی از آدمی که دست بشر به آن نخورده باشد، بی‌ارزش است. نظریه پردازی اجتماعی ژان ژاک روسو از لحاظ ارزیابی حالت طبیعی، هم با هابز و لاک تفاوت دارد. روسو بر خلاف جریان تفکر روشنگری، معتقد بود تمدن به جای آن که موهبتی باشد، همیشه با هزینه‌هایی همراه است. وی را می‌توان یکی از پیشگامان افکار احساساتی و سبز نامید. روسو آسیب‌های اجتماعی را

اخلاق زیست محیطی در غرب، به دو دسته اخلاق انسان محور و اخلاق مبتنی بر احساس و آگاهی قابل تقسیم است و طی چهار تا پنج دهه اخیر، مباحثات عمیقی بین ذهن‌گرایان ارزشی و عین‌گرایان طرفدار طبیعت به وجود آمده است. اولی، معتقد است که ارزش‌ها به یک ارزیابی نیاز دارند درحالی که دومی، معتقد به ارزش ذاتی طبیعت است (پجمان<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱). نظریه‌های اخلاقی به چند دسته مجزا تقسیم می‌شوند، الف) فایده‌گرایی: در این نظریه که مشهورترین شکل اخلاق نتیجه‌گرا است، نتیجه مطلوب برای یک عمل، رسیدن به حداکثر شادی برای اکثریت افراد است و معیار اصلی برای ارزشیابی درستی یک کار، مجموع یا متوسط منفعت برای یک جمعیت است. ب) وظیفه‌گرایی: در این نظریه، ارزش اخلاقی یک عمل به نتایج ربطی ندارد بلکه، به نوع عمل وابسته است. به این معنا که عملی درست است که براساس اصول اخلاقی درست انجام شده باشد. ج) فضیلت‌گرایی: در این نظریه، معیار عمل اخلاقی، فضایل و رذایل هستند و در آن، بیشتر به فاعل فعل و ویژگی‌های شخصیتی و منش او توجه می‌شود. در این نظریه، اگر فاعل در انجام یک رفتار از انگیزه شایسته برخوردار باشد و آن رفتار را صرفاً به دلیل ارزش و فضیلت بودن آن انجام داده باشد، عملی فضیلت‌مند و اخلاقی را انجام داده است و در غیر این صورت، آن رفتار اخلاقی نیست (اوقتون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳). در همین رابطه، برخی دیگر بین سه جهت‌گیری ارزشی به عنوان مبنای گرایش‌های زیست محیطی، تفکیک قائل شده‌اند. این سه عبارتند از: الف) جهت‌گیری ارزشی خودخواهانه که در آن مشکلات زیست محیطی می‌تواند به فرد آسیب برساند. ب) جهت‌گیری ارزشی نوع دوستی اجتماعی که در آن مشکلات زیست محیطی می‌تواند به دیگر افراد آسیب برساند. ج) جهت‌گیری ارزشی زیست‌محور یا زیست‌بوم محور که در آن، طبیعت مستقل از منافع انسانی دارای ارزش ذاتی است. از آنجا که جهت‌گیری ارزشی الف و ب، دوری از تخریب محیط زیست را به خاطر منافع انسانی مهم می‌دانند، پس این دو، یکسان و انسان‌محور هستند. در

دو پرسش اساسی اخلاقی، براین اساس خلاصه کرد، انسان محور: حفاظت‌گرایی - صیانت‌گرایی - بوم‌شناسی اجتماع؛ توسعه‌پایدار زیست‌محور: حقوق حیوانات؛ اخلاق زمین، زیست‌بوم محور - بوم‌شناسی ژرفانگر - اکوفمینیسم - نیکداری؛ پایداری و به دو دسته انسان مدارانه<sup>۱</sup> و محیط‌مدارانه<sup>۲</sup> تقسیم نمود: الف- محیط‌محوری: توجه به ارزش ذاتی حیات و موجودات و تاکید بر انسجام کل اجتماع زیستی دارد. به انسان‌محوری و بهره‌کشی از موجودات اعتراض دارد، برای تمامی موجودات زنده ارزش ذاتی قائل است و مجموعه حیات را به صورت یک کل یکپارچه می‌بیند ب- انسان‌محوری: طبیعت عنصری وابسته محسوب می‌گردد که به منافع انسانی گره می‌خورد و هدف از پاسداشت آن، حمایت از اهداف و منافع انسانی می‌باشد. لذا برداشت ابزاری از محیط‌زیست قوی است در طول تاریخ، انسان به دلیل دارا بودن هوش و خلاقیت، خود را دارای موقعیت اخلاقی مستقل می‌داند. از این عقیده به انسان مرکزی نیز یاد می‌گردد (سلیمان پور عمران و همکاران، ۱۳۹۵).

**نظریه‌گیدنز،** محیط‌زیست را از دیدگاه جهانی و با رویکرد سیستمی تبیین می‌نماید و از ابعاد مختلف به این مهم می‌پردازد؛ به طوری که اقتصاد، سیاست و فرهنگ را گرد هم می‌آورد تا از این پدیده‌ی تمدن جدید، تصویر کامل‌تری ارائه دهد. می‌توان گفت که این مردم کشورهای کمتر توسعه‌یافته هستند که مشکلات و مسائل محیط‌زیستی را تجربه می‌کنند؛ مسائلی مانند جنگل‌زدایی، فرسایش خاک، آلودگی، بیابان‌زایی، هم‌چنین ناتوانی فراگیر در عدم برآورده شدن نیازهایی که محیط‌زیست می‌تواند آن‌ها را تامین کند. سازمان ملل متحد، در چندین گزارش خود، به ارتباط میان اقتصاد جهانی، تخریب محیط‌زیست، بقای انسان‌ها، و امنیت بین‌المللی پرداخته و راه‌حلی را در حوزه‌ی انسان‌شناسی محیط‌زیست ارائه می‌دهد. آنچه در نظریه‌های مربوط به سیاست و جهانی ملموس است، نادان وزن به دخالت و تصمیم‌گیری مستقیم و آگاهانه انسان و سواد محیط‌زیستی می‌باشد. در این زمینه عوامل ایجاد

معلول آثار زیان‌بار تمدن می‌داند و معصومیت، اصالت و کمال را در طبیعت می‌داند. داروین‌یسم اجتماعی بدان گونه که در نیمه قرن نوزدهم تدوین یافت نظریه اجتماعی خشنی بود زیرا با تکرار مباحث مالتوس این اعتقاد را تقویت می‌کرد که کمک به فقرا فقط آن‌ها را توان می‌بخشد که به ناروا و به طور مصنوعی باقی بمانند و در نتیجه فرایند تطور اجتماعی را که پیش شرط آن بقای اصلح است به قهقرا ببرند. در نظریه مارکسیسم به نظریه جمعیت مالتوس و بحث او درباره «دستمزد بخور و نمیر» حمله نموده است. از دیدگاه مارکسیستی، نظریه مالتوس تنها توجیهی ایدئولوژیک بود که نقاب پژوهش علمی برچهره داشت. وجه مشترک هابرماس با نظریه اجتماعی کلاسیک اینست که شرط پیشرفت و توسعه جامعه انسانی بهره‌کشی و استفاده ابزاری از محیط طبیعی است. وجه مشترک هابرماس با نظریه اجتماعی کلاسیک اینست که شرط پیشرفت و توسعه جامعه انسانی بهره‌کشی و استفاده ابزاری از محیط طبیعی است و آن را بخشی از سرشت انسان معرفی می‌نماید. در این میان اما لیبرالیسم دیدگاه‌های بسیار اصیل نسبت به طبیعت و محیط‌زیست و جانداران غیر انسان دارد، و رگه‌های دیدگاه‌های دوستدار محیط‌زیست در آن آشکار می‌گردد و رویکردی که قبلاً در مکتب روسو به عنوان پیشگام افکار و احساسات سبز در قالب معصومیت، اصالت و کمال طبیعت به آن اشاره شده بود، را توسعه می‌بخشد. اما فروید به استثمار طبیعت نه تنها از بعد بیرونی آن بلکه از بعد درونی و سرشت درونی انسان اشاره می‌کند. بعدی که در مکاتب قبلی تا آن زمان کمتر به آن پرداخته شده بود.

هرچند در یک جمع‌بندی کلی می‌توان رایج‌ترین این رهیافت‌ها را حفاظت‌گرایی، صیانت‌گرایی، بوم‌شناسی اجتماع، حقوق حیوانات، اخلاق زمین، بوم‌شناسی ژرفانگر، اکوفمینیسم، نیکداری، توسعه‌پایدار و پایداری نام برد. به طور کلی رویکردهای زیست‌محیطی را می‌توان در چند دسته‌بندی مجزا جای داد. با توجه به رهیافت‌های اخلاقی زیست‌محیطی، می‌توان آن‌ها را بر مبنای چگونگی پاسخ به

نهادها و اصول اخلاقی آن، اخلاقی است (محرم‌نژاد و تهرانی، ۱۳۸۹). با توجه به این امر، رشد نگرش‌ها و ارزش‌ها نمی‌تواند مبتنی بر برنامه‌های سطحی باشد و باید از نگرشی سیستمی در این زمینه بهره برد که مشتمل بر استفاده از شاخص‌های آگاهی‌بخشی همراه با تغییر انگیزه‌های اخلاق درونی که از ضمیر ناخودآگاه انسانی سرچشمه می‌گیرد و در کنار آموزش و انتقال آگاهی، به تغییر در نگرش‌ها و ارزش‌های زیست‌محیطی نیز در قالب آموزش‌های رسمی و غیررسمی در قالب آموزش و پرورش، آموزش عالی، رسانه، آموزش‌های شهروندی، آموزش زنان و... بهره‌گیری نمود (سلیمان پورعمران، ۱۳۹۳).

کوچک شدن تدریجی جهان، به جهانی شدن تدریجی مسائل نیز انجامیده است؛ چراکه افزایش جمعیت جهانی و افزوده شدن تعامل‌ها، موجب پدید آمدن مسائل مشترک و درک مشترکی از مسائل و گره خوردن سرنوشت انسان‌های معاصر به یکدیگر شده است. به بیان دیگر از حجم و اهمیت مسائل شخصی، محلی و ملی به نفع مسائل جمعی، منطقه‌ای و جهانی کاسته است خطرها و تهدیدهای همگانی و جهانی و آشکارتر از همه خطرهایی که محیط‌زیست مشترک ما را تهدید می‌کنند، برجسته‌تر می‌شوند و برنامه‌ای مبتنی بر مسؤولیت جهانی و منافع مشترک برای اداره جهان به وجود می‌آید (شجاعی زند، ۱۳۸۲). توسعه پایدار زمانی تحقق می‌یابد که تمام ابعاد زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی به‌طور هم‌زمان مورد توجه قرار گیرند که اگر بجز این باشد، با توسعه ناهمگون مواجه خواهیم شد. لذا در کنار معادله سیاست و جهانی شدن در تئوری گیدنز، باید ضلع سوم این مثلث را شهروندان بین‌المللی دارای سواد زیست‌محیطی قرار داد.

رفتار حفاظت از محیط‌زیست، سواد زیست‌محیطی می‌باشد که بنیادی‌ترین شیوه در حفاظت از محیط‌زیست را می‌آموزد، تا از این طریق، هر فرد، از طریق احترام گذاشتن به طبیعت، خویشتن را مسؤول حفظ و حمایت از زیست‌سپهر بداند و در عرصه‌های اقتصاد، سیاست و جهانی شدن، آگاهانه رصد نماید، نقد کند، تصمیم بگیرد و انتخابگر و مطالبه‌گر باشد و به‌عنوان یک شهروند جهانی، ناظر آگاهانه تصمیم‌های سیاسی و بین‌المللی باشد که تبعات عمیق سیستمی بر زندگی فردی و اجتماعی آنان دارند. ارزش‌گذاری و هنجارها و تغییرات نگرشی در تعیین درست یا نادرست بودن رفتار نسبت به طبیعت تعیین‌کننده می‌باشد. از طرفی منابع متفاوت اطلاعاتی و آگاهی، به‌عنوان پیش شرط ضروری برای نگرش محسوب می‌گردند و اگر افراد قانع نشوند که عوامل خاصی در نابودی محیط نقش دارند، نگرش منفی به آن نخواهند داشت. بر طبق نظر گولدبلات، سه بیان مختلف از سیاست‌های زیست‌محیطی را می‌توان در آثار گیدنز تشخیص داد.

۱- دیدگاه محافظه‌گرانه: به نظر وی جنبش‌های زیست‌محیطی با بازسازی شیوه‌های سنتی مربوط به محیط سروکار دارد. ۲- سیاست‌های زیست‌محیطی پاسخی است که به خطرهای زیست‌محیطی می‌دهد. بر مبنای این توجیه سیاست‌های زیست‌محیطی به موازات آشکارتر شدن و مشخص‌تر شدن مسائل و معماهای بوم‌شناختی برای مردم پدید می‌آیند. ۳- سیاست‌های زیست‌محیطی، شیوه زندگی سیاسی خاصی است که مرتبط با جنبش‌های اجتماعی جدید است. به نظر گیدنز سیاست‌های سبز یا سیاست‌های زیست‌محیطی بیشتر به این‌که شخص چگونه زندگی می‌کند و همچنین موضوعات مربوط به هویت شخصی مرتبط است تا موضوعاتی که سیاست‌های جریان اصلی اعم از سطوح درآمد، استخدام و رشد اقتصادی را حاکم می‌کند. بدین ترتیب گیدنز توجه روزافزون به موضوعات زیست‌محیطی و بروز سیاست‌های زیست‌محیطی را پیشرفت‌هایی می‌داند که آشکارا از لحاظ مطرح شدن پرسش‌های اخلاقی درباره نظام اجتماعی نو و

**منابع**

۱. بیرهوف، هری. ۱۳۸۴. رفتارهای اجتماعی مطلوب از دیدگاه روانشناسی اجتماعی، ترجمه رضوان صدقی نژاد، تهران، گل آذین.
۲. بری، جان. ۱۳۸۰. محیط‌زیست و نظریه اجتماعی. پویان، حسن. و توکلی، نیره. تهران: انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست.
۳. حسنی سیدحمیدرضا، علیپور مهدی. ۱۳۸۲. نقدی بر تحویل‌گرایی در اخلاق. دفتر نشر معارف، تهران. ۱۳۸۲
۴. سلیمان پورعمران، محبوبه؛ یارمحمدیان، محمدحسین؛ کشتی آرای، نرگس (۱۳۹۵). بررسی مقایسه‌ای رویکردها و نظریات زیست‌محیطی. پژوهش در برنامه درسی دوره ۲، شماره ۲۱ - ۲۹ - ۱۴
۵. سلیمان پورعمران، محبوبه؛ یارمحمدیان، محمدحسین (۱۳۹۴). آموزش محیط زیست به سوی یک برنامه درسی تلفیقی. انتشارات مهر النبی
۶. سلیمان پورعمران، محبوبه (۱۳۹۳). رویکرد پاسداشت از منابع طبیعی: اولویتی پنهان در برنامه‌ی آموزش توسعه پایدار. کنفرانس سراسری محیط‌زیست و انرژی ایران. موسسه بین‌المللی آموزشی و پژوهشی خوارزمی، شیراز، ۱۳۹۳/۵/۲۰
۷. شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۲) جهانی شدن و دین، فرصت‌ها و دین و جهانیت، جهانی شدن، جهانی‌سازی و جهان‌گرایی چالش‌ها، دفتر اول، دبیرخانه دین‌پژوهان کشور
۸. صالحی عمران، ابراهیم؛ آقامحمدی، علی. ۱۳۸۷. بررسی دانش، نگرش و مهارت‌های زیست محیطی معلمان آموزش دوه ابتدایی استان مازندران، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۹۵، تهران، ص: ۹۱-۱۱۶.
۹. عابدی سروسستانی، احمد. شاه‌ولی، منصوره. محقق‌داماد، سید مصطفی. ۱۳۸۶. ماهیت و دیدگاه‌های اخلاق زیست‌محیطی با تاکید بر دیدگاه اسلامی، فصلنامه‌ی اخلاق در علوم فناوری، سال دوم، شماره‌های ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۶، صص ۵۹-۷۲
۱۰. عبداله‌هی، داوود (۱۳۸۲) پست مدرنیسم جهانی شدن و بحران زیست‌محیطی در هزاره سوم. علوم و تکنولوژی محیط‌زیست دوره ۵، شماره ۴: ۶۷-۷۵.
۱۱. علوی‌مقدم، سیدمحمدرضا (۱۳۹۱) ارزیابی و نگرش و عملکرد دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر، فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، شماره چهار.
۱۲. غلامپور، علی (۱۳۸۶) تاثیرات جهانی شدن اقتصاد بر نقش دولت در اقتصاد سیاسی محیط - زیست در کشورهای در حال توسعه: مورد مطالعه ایران. فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷، شماره ۴: ۱۲۵-۱۵۲.
۱۳. گلکارم. ۱۳۸۲. توسعه پایدار و محیط‌زیست در ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده محیط‌زیست، دانشگاه تهران.
۱۴. کاستنر، مانوئل (۱۳۸۰) عصر اطلاعات، ظهور جامعه شبکه‌ای، جلد اول، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، ویراسته علی پایا، طرح نو.
۱۵. کلایتون، سوزان و جین مایرز. ۱۳۹۰. روانشناسی حفاظت از محیط‌زیست، ترجمه مجید صفارنیا و همکاران، تهران: نسل فردا
۱۶. محرم نژاد، ناصر؛ تهرانی، مهناز (۱۳۸۹) مروری بر نظریه‌های اجتماعی و مدیریت محیط‌زیست. فصلنامه انسان و محیط‌زیست، دوره ۸، شماره ۱ (۱۲- پیاپی ۲۳)، ۳-۱۱.

17. Bailey, G.A., 1971, " The Public, the Media and the knowledg egap, Journal of Environmental Education, n.2, p.3-8.

- in Engineering and development, n.6, p. 209-215.
23. Newhouse, n, 1999. Implication of attitude and behavior research for environmental conservation. Journal of environmental education, n. 22. P.26-32
  24. Oughton, D. 2003. Protection of the environment from ionizing radiation: Ethical issues. Journal of Environmental Radioactivity; 66: 3-18.
  25. Pojman LP.2001. Does nature have intrinsic value? Biocentric and ecocentric ethics and deep ecology. In: Pojman LP, Editor. Environmental Ethics: Reading in Theory and Application. Thomson Learning, London 2001, pp. 75-76.
  18. Hatcher T.2004. Environmental ethics as an alternative for evaluation theory in for-profit business contexts. Evaluation and Program Planning 2004; 27: 357-363.
  19. Hungerford, H.R, P.Benand J. W.Richar, 1980, Goals forCurri culum Development in Env ir on mental Education ", Journal of Environmental Education, n.11p. 42- 47.
  20. Hawthorne M & AlabasterT (1999). Citizen 2000: development of amodel of environment alcitizen ship. Global Environmental Change, 9 1, 25 - 43.
  21. Jurin RR, Donald ED, KJ. 2010 .Environmental Communication: Skills and Principles for Natural Resource.2th edn, London: Springer Dordrecht Heidelberg, 45-50
  22. Meiboudi, H. & et. al., 2012," The WaytoSucceed in Environmental Education is through Peop le - to People Coop eration: ACase Study in Iran ", International Journal of Emerging Trends

## **Environment, Politics and Globalization A Historical Review on Environmental Theories**

**Mahboubeh Soleimanpouromran<sup>1\*</sup>, Fariba Alidadiyani<sup>2</sup>, Hamidreza Sodagar<sup>3</sup>**

1\* - Assistant Professor, Department of Educational sciences, Islamic Azad University, Bojnourd, Iran

2- Department of Educational Management, Bojnourd Branch, Islamic Azad University, Bojnourd, Iran

3- P.hd student in Educational Management, Bojnourd Branch, Islamic Azad University, Bojnourd, Iran

### **Abstract**

High globalization is one of the environmental argument indices. Environment and its stability or instability will be effective on country development process and in a bigger scale, on people of the world. In this context and during human history, some theories have been done by philosophers and scholars. Therefore, the study has been done in order to survey of ecological theories and globalization policy approach. The research method is descriptive-analytic and the sources and articles carried out by Library Studies and tools of note taking. In the present study we investigated the cause of environmental protection. The historical development of theories and theorists in the field of ecological, environmental, policy and globalization were discussed and interpreted.

**Keywords:** Environment, Politics, Globalization, Environmental theories